

بانگاهی به بیست و دو دوره برگزاری جشنواره فیلم فجر، می‌بینیم که بعد از ربع قرن که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، هیچ اثر در خوری در مورد انقلاب در حوزه سینما ساخته نشده است. چند فیلم انگشت‌شماری هم که درباره این حادثه، عظیم قرن ساخته شده‌اند، عاری از زیبایی‌هایی تکنیکی و یا سوژه‌های مناسب و مهمتر از همه، فیلمنامه‌ای محکم بوده‌اند.

با این‌همه انگار هیچ کس نگران این مسأله نیست. همه سینماگران و فیلمسازان کارخودشان را می‌کنند؛ و گویی دهه فجر تنها بهانه‌ای است برای برگزاری جشنواره فیلم‌هایی که در طول یک سال در ایران ساخته شده‌اند.

نسبت سینماگران ما با انقلاب نسبت عجیبی است. در حالی که در آن سوی مرزها، هالیوود و دیگر کمپانی‌های فیلمسازی غربی هنوز است آثاری زیبا و به یادماندنی از انقلاب فرانسه، جنگ جهانی دوم و وقایع سیاسی اجتماعی رخ داده در طول این سال‌های اخیر می‌سازند، فیلمسازان ما گویی در دنیای دیگری سیر می‌کنند. از ایران فقط خیابان‌های بالای شهر تهران را می‌شناسند. از قم - که شهر خون و قیام نام گرفته است - حلبی‌آباد دهکوره‌هایش را دیده‌اند و با لحنی دردمندانه از نبود عدالت اجتماعی سخن می‌رانند (نگاه کنید به سخنان اصغر فرهادی، کارگردان، در جلسه نقد فیلمش در همین جشنواره اخیر)، از مشکلات

هنوز هیچ انقلابی در جشنواره اتفاق نیفتاده است

زهرا شریعتی

به هر حال آنچه که مسلم است، انقلاب ما آن قدر سوژه برای کار دارد که بشود ده ها فیلم درباره آن ساخت، اما گویی باید این سخن منتقدین را در این سال ها باور کنیم که: ((فیلم نامه خوب در این زمینه وجود ندارد)).

«باج خور»، به کارگردانی فرزاد مؤتمن، که موضوع آن از اسمش پیداست: اکشن و تبهکاری و... «زهر غسل»، به کارگردانی ابراهیم شیبانی، موضوعی در مورد جوانان و عشق. «بوتیک»، به کارگردانی نعمت ا...، با موضوعی مانند فیلم بالا.

«سبزه گربه روی شیروانی»، به کارگردانی عبدالعلی زاده، هم موضوعی چون بوتیک دارد. «شاه خاموش»، به کارگردانی همایون شهنواز (کارگردان سریال دلبران تنگستان)، یک موضوع تاریخی در مورد احمدشاه قاجار. «ملاقات باطوطی»، به کارگردانی علیرضا داونزاد، مخلوطی از اکشن، فمینیسم، ملودرام و دنیای ارواح. «الهی زیگورات»، به کارگردانی رحمان رضایی، این یکی گوشه چشمی به حادثه یازده سپتامبر داشته است.

البته امسال جشنواره فجر در مورد فیلم های جنگی شاهکار کرده است و بالاخره طلسم کم کاری را در این زمینه شکسته است:

۱- «روایت سه گانه»، به کارگردانی سه نفر، رخشان بنی اعتماد، حسن برزیده و پرویز شیخ طادی.
۲- «دوئل»، به کارگردانی احمدرضا درویش.
۳- «اشک سرما»، به کارگردانی عزیز الله حمیدزاد، در مورد کردستان.

۴- «پرده عشق»، به کارگردانی جمال شورجه، زندگی یک هنرمند که جانبا ز شیمایی است.

۵- «هیام»، به کارگردانی محمد درمنش، در مورد فلسطین.

۶- «جایی برای زندگی»، به کارگردانی بزرگ نیا.

۷- «مزرعه پدری»، به کارگردانی رسول ملاقی پور. فیلم های ارزشی هم البته هستند. فیلم هایی که ادعا و سر و صدایشان کم است، اما بازهم در مورد انقلاب نیستند:

«تارا»، کارگردانی سعید سهیلی
«عروس افغان»، به کارگردانی ابوالقاسم طالبی

«او»، به کارگردانی رهبر قنبری
«آقا»، به کارگردانی امید بهکار

«انتظار»، به کارگردانی محمد نوری زاد
«خداحافظ رفیق»، به کارگردانی بهزاد بهزادپور

البته اینجا تنها موضوع فیلم ها را در نظر داشتیم، اگر نه، با در نظر گرفتن تکنیک و هنر کارگردان، شاید این فیلم های ارزشی که نام بردیم مشکل جذب مخاطب داشته باشند.

به هر حال آنچه که مسلم است، انقلاب ما آن قدر سوژه برای کار دارد که بشود ده ها فیلم درباره آن ساخت، اما گویی باید این سخن منتقدین را در این سال ها باور کنیم که: «فیلم نامه خوب در این موارد وجود ندارد».

«هم نفس»، به کارگردانی مهدی فخیم زاده، با موضوع جدید الورود «دارالمجانین»! یک چیزی تو مایه های فیلم سال گذشته که کتابتون ریاحی و پرویز پرستویی در آن بازی می کردند و کار پرستویی به دارالمجانین رسید! (زحمت پیدا کردن نام آن فیلم را خودتان بکشید!)

«عاشق مترسک»، به کارگردانی مهدی نوربخش، با یک موضوع اکشن و عاشقانه حسابی!
«معادله»، به کارگردانی ابراهیم وحیدزاده، با موضوع خانوادگی و ملودرام

«شهر زیبا»، به کارگردانی اصغر فرهادی، حکایت تلاش خواهری برای نجات برادر از زندان، و کمی مایه های جشنواره ای مثل فقر و بدبختی و غیره!
«ساکنان سرزمین سکوت»، به کارگردانی سامان سالور، داستان عملی شدن شترها! (با به خاطر خوردن تریاک و قاچاق آن و...)

«مکس»، به کارگردانی سامان مقدم (اگر یادتان باشد همان کارگردان فیلم پارتی)، با موضوع یک خواننده لس آنجلسی و بازگشت او به تهران با یک عنوان عوضی و خلاصه یک فیلم طنز.

«شمعی در باد»، به کارگردانی پوران درخشنده، با موضوع محبوب این سال ها یعنی جوانان.

«پروانه ای» در باد، به کارگردانی عباس رافعی، داستان زنی که در دل کویر به دنبال عشق گمشده خود می گردد...

«برگ برنده»، به کارگردانی سیروس الوند، با موضوعی مشابه فیلم قبلی این کارگردان یعنی «دستهای آلوده» و قضیه تبهکاری و دزدی و...

«شکلات»، به کارگردانی افشین شرکت، قصه آشنایی یک بازیگر معروف سینما با یک فارغ التحصیل جوانان رشته مهندسی، و چند ماجرای اجتماعی و انسانی...

«قدمگاه»، به کارگردانی محمدمهدی عسگرپور، با موضوع زندگی نوجوانی به نام رحمان که پس از سال ها به حقایقی در مورد زندگی گذشته اش دست پیدا می کند.

«مارمولک»، به کارگردانی کمال تبریزی، که این بار پرستویی را به دزدی سابقه دار تبدیل کرده که برای فرار از مجازات دست به کار عجیبی می زند...

«سربازان جمعه»، به کارگردانی مسعود کیمیایی، که مثل همیشه قضیه رفاقت و معرفت و این جور چیزها است که البته فقط بین آقایان اتفاق می افتد، توی مایه «ضیافت» و «اعتراض» و...

«پرنده از قفس پرید یا به من نگاه کن»، به کارگردانی شهرام اسدی (کارگردان روز واقعه)، داستانی نسبتاً فمینیستی دارد. روایت زندگی دختری به نام آیتکین (ترکمنی) که مورد ظلم خانواده و اجتماع قرار می گیرد.

اجتماعی بیش از همه مثلث عشق می بیند و اگر هم در مورد فقر و تبعیض و این مسائل فیلم می سازند، به ندرت فیلم محکم، قابل دفاع و جالبی از آب درآمده است.

در قرن اخیر که قرن جنگ های سرد و گرم متعدد نام گرفته است، آمریکا که سابقه بسیار خوبی هم در حفظ حقوق بشر دارد! و پس از جنگ جهانی دوم، به عنوان بازوی سازمان ملل در راستای حفظ صلح در جهان بوده است، طبق آمارهای خود آمریکا، در کل دنیا چیزی حدود پنجاه و دو جنگ راه انداخته است که با یک طرفش خودش بوده، و یا به نوعی مستقیم یا غیرمستقیم در ایجاد جنگ و ادامه آن نقش مؤثری داشته است (بالاخره سازندگان اسلحه های آمریکایی هم باید نان بخورند!) لایه آمریکا در راستای حفظ همین صلح اهدایی، بهترین و شیرین ترین فیلم ها را در مواردی که نام بردم، مثل انقلاب فرانسه، و جنگ جهانی دوم و جنگ های دیگر ساخته است.

اگر نگاهی به موضوعات فیلم های جشنواره امسال بیندازید، محض نمونه یک فیلم هم به انقلاب یا حداقل تأثیر انقلاب اسلامی ما بر مناسبات سیاسی اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی جهان نپرداخته است.

در این بیست و پنج سال، کدام فیلم را دیده اید که به این موارد حتی اهمیت داده باشد؟ در حالی که یک سال از جنگ آمریکا بر ضد عراق می گذرد، هیچ فیلم سازی به خود زحمت نداده به چنین مسئله مهمی حتی نگاهی داشته باشد. در حالی که مایکل مور، فیلم سازی که خودش آمریکایی است و حتی بابت فیلمی که کاملاً بر ضد سیاست های خارجی آمریکا است، جایزه اسکار فیلم مستند می گیرد. جالب است که ما با این که همسایه ها عراق هستیم. همه وقایع را نادیده می گیریم. بدنیست برای اثبات مدعای بنده نگاهی به موضوع فیلم های بیست و دومین جشنواره فیلم فجر بیندازید:

«گاوخونی»، به کارگردانی بهروز افخمی، که اقتباسی از رمان گاوخونی نوشته جعفر مدرس صادقی است. تکلیف این فیلم که معلوم است.

«میهمان مامان»، به کارگردانی داریوش مهرجویی، که این هم براساس داستانی از هوشنگ مرادی کرمانی ساخته شده است.

«صبحانه برای دو نفر»، به کارگردانی مهدی صباغ زاده، که این موضوع آن خود نگارش یک رمان است! (امسال جشنواره چشم نخورد خیلی ادبیات را تحویل گرفته!)

«رسم عاشق کشی»، به کارگردانی خسرو معصومی، با موضوع قاچاق و زندان و این حرف ها...